



مدلسازی ابعاد فرهنگ سازمانی و اخلاق مالیاتی شرکت‌ها

لیلا صدیقی کمال

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رمضانعلی رویایی

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مهدی تقوی

استاد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

فریده حق شناس کاشانی

استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۲

چکیده

در ایران اخیراً به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی و کاهش درآمدهای نفتی، افزایش درآمدهای مالیاتی به عنوان یک منبع مهم درآمدی مورد توجه دولت قرار گرفته است لذا توجه به نقش محوری مودیان مالیاتی به عنوان پرداخت کنندگان مالیات حائز اهمیت است. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر فرهنگ سازمانی بر اخلاق مالیاتی شرکت‌ها می باشد. جامعه آماری پژوهش، مودیان مالیاتی حقوقی مناطق چهارگانه امور مالیاتی شهر تهران می باشد که ۳۸۵ مودی به عنوان نمونه آماری انتخاب شد، شیوه اجرا تحقیق پیمایشی می باشد و ابزار مورد استفاده پرسشنامه‌های استاندارد می باشد. پرسشنامه‌ها قبل از توزیع در جامعه آماری در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت تا از روایی و پایایی آنها اطمینان حاصل شود. برای بررسی روابط بین متغیرها از مدل معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که ابعاد فرهنگ سازمانی تاثیر معنی داری بر اخلاق مالیاتی شرکت‌ها دارد. بنابراین سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در تهیه و تدوین استراتژی‌ها و قوانین و مقررات مالیاتی باید به ویژگی‌هایی نظیر فرهنگ توجه ویژه ای داشته باشند زیرا نحوه واکنش و پاسخ مودیان در موفقیت و شکست آن استراتژی‌ها و قوانین بسیار حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: مالیات، اخلاق مالیاتی، فرهنگ سازمانی.

۱- مقدمه

هرچند به طور کلی افزایش درآمدهای مالیاتی، به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، در طول دو دهه‌ی گذشته روند مثبتی داشته است اما این رقم در حال حاضر به ۸ درصد رسیده است و براساس برنامه ریزی‌ها این رقم تا انتهای برنامه ششم توسعه باید به ۱۲ درصد برسد (بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی). حال آنکه این عدد در سایر کشورهای توسعه یافته حداقل ۲۵ تا ۳۰ درصد می‌باشد (OECD, 2019). بنابراین توسعه نظام مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی یک آیتم کلیدی برای برنامه‌های سیاسی دولت‌های مختلف می‌باشد، (تمیزی، ۱۳۹۷). گزارش صندوق بین‌المللی پول نیز در سال ۲۰۱۹ تأکید نموده به دلیل شرایط خاص حاکم بر اقتصاد ایران، وصول درآمد‌های مالیاتی و توجه بیش از پیش به نقش نظام مالیاتی در ایران ضروری می‌باشد. علاوه بر سیاست‌های مالیاتی و انسجام سازمان مالیاتی برای اجرای درست قوانین و ضوابط، افزایش انگیزه‌های درونی و جلب همکاری و همفکری مؤدیان می‌تواند موجب موفقیت هرچه بیشتر نظام مالیاتی و وصول درآمد‌های مالیاتی می‌شود (تورگلر و همکاران، ۲۰۱۹). اساساً دو جریان عمده در تبیین رفتار مالیاتی مؤدیان (پرداخت یا عدم پرداخت مالیات) وجود دارد، جریانی که مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک است و سعی دارد رفتار مالیاتی را بر اساس داده‌های مفروض در اقتصاد از قبیل «اصل حداکثرسازی سود مورد انتظار»، «اصل عقلانیت فردی» و... تبیین کند و بیشتر به عوامل اقتصادی (مانند نرخ مالیات، میزان درآمد مشمول مالیات مؤدی، احتمال حسابرسی مالیاتی و به خصوص جرایم مالیاتی) توجه دارند، از سوی دیگر رویکردهایی وجود دارد که منتقد مدل‌های اقتصادی است و درصدد افزودن پارامترهای غیراقتصادی از قبیل عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختارهای نهادی به مدل‌های ریاضی وار آنها هستند و نشان می‌دهد که متغیرهای درونی نظیر داشتن سطحی از دانش در زمینه قوانین مالیاتی، نگرش مؤدیان نسبت به دولت و وضع مالیات، ارزشهای فردی، ارزشهای اجتماعی، عدالت و تمایلات انگیزشی و عواملی از این قبیل، نیز به اندازه عوامل اقتصادی با اهمیت هستند (هافمن و همکاران، ۲۰۱۸). اخیراً در پژوهش‌ها جنبه فلسفی و روانشناسی فرار مالیاتی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

اخلاق مالیاتی نشان می‌دهد که در نظر یک فرد "فرار مالیاتی" تا چه حد بد تلقی می‌شود. این بدین معناست که هرچه فرد اخلاق مالیاتی بالاتری داشته باشد، احساس تمایل بیشتری برای پرداخت مالیات خواهد داشت (آلم و تورگلر، ۲۰۱۱). اخلاق مالیاتی به عنوان محرک اصلی و درونی، نشانگر اشتیاق مؤدی یا باور اخلاقی به پرداخت مالیات و همچنین ایفای نقش/مشارکت و مسئولیت در برابر جامعه می‌باشد. اخلاق مالیاتی یک نام گروهی برای همه‌ی عوامل و مشوق‌های (نظیر هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های فردی و فرآیندهای شهودی مختلف) می‌باشد که بر تمکین داوطلبانه فرد به قوانین مالیاتی تأثیری قوی می‌گذارد (فری و تورگلر، ۲۰۱۷). اخلاق مالیاتی شامل اصول اخلاقی یا ارزش‌هایی است که افراد در مورد پرداخت یا عدم پرداخت مالیات خود در اختیار دارند (السن و کریچلر، ۲۰۱۲). اگرچه اخلاق مالیاتی از درون تشویق و انگیزه می‌شود، اما جهان خارج نیز بر این مسئله تأثیرگذار می‌باشد و تحت تأثیر متغیرهای دیگری می‌باشد (کورناوسر، ۲۰۰۷). مگگی و راسی (۲۰۰۶) در کنار قوانین و مقررات مالیاتی، عوامل تأثیرگذار دیگری نیز بر اخلاق مالیاتی مؤدیان وجود دارد و تابعی از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است، لوی و رز (۱۹۹۹) تمکین مالیاتی داوطلبانه را یکی از کارکردهای فرهنگ

می داند. به طوری که فضاهای فرهنگی متفاوت بر اخلاق مالیاتی تاثیر بسزایی دارند. شرایط فرهنگی متعددی که برداشت و تفسیر فرد از رخدادها را می سازند در تاثیرگذاری و نگرش فرد (اخلاق مالیاتی) موثر است. تورگلر (۲۰۰۷) اذعان دارد که هر جامعه ای ارزش های فرهنگی مختلفی دارد بنابراین فرهنگ مالیاتی آنها نیز با یکدیگر متفاوت است. بسته به فرهنگ های مختلف ، سطح اخلاق مالیاتی افراد نیز متمایز خواهد بود . تساکومیس و همکاران (۲۰۰۷)، با بررسی تاثیر ابعاد فرهنگی هافستد (۱۹۸۰) بر فرار مالیاتی نشان دادند که هرچه سطح فاصله قدرت و ابهام‌گریزی بالاتر و هرچه سطح فردگرایی و مردسالاری پایین‌تر باشد، میزان فرار مالیاتی بالاتر خواهد بود. در تحقیقی مشابه آن ، دینلی (۲۰۱۴) اخلاق مالیاتی را به عنوان متغیر وابسته جایگزین فرار مالیاتی نمود و دریافت که ابعاد فرهنگی بر اخلاق مالیاتی مودیان تاثیر می‌گذارند. در ایران نیز ملانظر و ابوحمزه (۱۳۹۵) نشان داد که تا چه حد تفاوت در تمکین مالیاتی را می توان از طریق تفاوت در فرهنگ سازمانی توضیح داد . رویایی و بهشتی (۱۳۹۶) در پژوهشی فرار مالیاتی را با اخلاق فردی (از منظر نسبی گرابی و آرمان گرابی) مورد قرار دادند که نتایج حاکی از مثبت بودن تاثیر اخلاق نسبی گرا بر فرار مالیاتی را دارد. در ایران نیز تحقیقاتی که تاکنون در باره اخلاق مالیاتی صورت گرفته بسیار اندک و پراکنده است و تا کنون تاثیر فرهنگ بر اخلاق مالیاتی بررسی نشده است لذا اهمیت این در تحقیق در نو بودن آن و عدم انجام مشابه آن در سطح کشور است .لذا برای اولین بار با هدف تحلیل و بررسی ارتباط اخلاق مالیاتی و فرهنگ به عنوان یکی از ابعادی که بر اخلاق مالیاتی مودیان تأثیر می گذارد این پژوهش انجام می شود. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش است که تا چه حد می توان تفاوت در اخلاق مالیاتی افراد را از طریق تفاوت در فرهنگ مالیاتی و سازمانی آنها را توضیح داد. به نظر می رسد یافته های این پژوهش راهکار اساسی برای توسعه و فرهنگ سازی اخلاق مالیاتی در بدنه نظام مالیاتی و خصوصا مؤدیان مالیاتی می باشد. در تحقیقات مالیاتی اغلب فرهنگ را «جعبه سیاه» قلمداد نموده و نتوانسته‌اند تعیین نمایند که چگونه جوانب فرهنگی می‌توانند به اخلاق مالیاتی افراد مرتبط باشند. از طرفی نتایج موجب آگاه سازی سیاست‌گذاران از تاثیر با اهمیت عوامل فرهنگی در رفتار مالیاتی مودیان ، تا در زمان تدوین استراتژی ها و قوانین و مقررات به این موضوع توجه داشته باشند. همچنین نتایج این پژوهش می تواند ایجاد ایده های نو برای انجام پژوهش های آتی در خصوص موضوع اخلاق مالیاتی باشد.

در بخش پیشینه پژوهش مفهوم اخلاق مالیاتی ، ابعاد فرهنگی هافستد بررسی خواهد شد. و در بخش های بعدی مدل مفهومی و فرضیه ها، روش تحقیق، نتایج تجزیه و تحلیل و بحث و نتیجه گیری آزمون فرضیه ها آمده است.

مبانی نظری

اخلاق مالیاتی

تصمیمات شرکت ها به عنوان مودیان مالیاتی برای پرداخت مالیات تحت تاثیر عوامل متعددی می‌باشد، و بدون شک منطق اقتصادی در تصمیمات اتخاذ شده وجود دارد. " اخلاق مالیاتی" یک نام گروهی برای همه ی عوامل و مشوق‌هایی نظیر هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فردی می‌باشد که بر تمکین داوطلبانه فرد به قوانین مالیاتی

تأثیری می‌گذارد. اگرچه اخلاق مالیاتی از درون تشویق و انگیزه می‌شود، اما جهان خارج نیز بر این مسئله تأثیرگذار می‌باشد (هاینس، ۲۰۲۰).

در بیشتر جوامع، دولت‌ها سعی بر درونی کردن ارزشها در میان افراد برای اجرای قوانین و مقررات حاکم دارند و بین اخلاق و قانون تفاوتی قائل نمی‌شوند، درحالیکه اخلاق، با رفتارهای ناشی از قانون متفاوت است. رفتار قانونی ریشه در مجموعه‌ای از اصول و مقرراتی دارد که نوع عمل افراد را مشخص می‌کند. این مقررات لازم الاجرا بوده و در صورت لزوم در دادگاهها اعمال می‌شوند، اما اصول اخلاقی بیشتر مربوط به رفتارهایی می‌شوند که زیر پوشش مقررات قانونی قرار نمی‌گیرند (مکگی، ۲۰۱۶). اولین مطالعه درباره اخلاق مالیاتی، در دانشکده روانشناسی مالیاتی کلن توسط دانشمندان آلمانی انجام شده است (استرامپل، ۱۹۶۹)، آنها نشان دادند که اخلاق مالیاتی محرک اصلی و درونی برای پرداخت مالیات می‌باشد. این عامل، نشانگر اشتیاق مودی یا باور اخلاقی به پرداخت مالیات و همچنین ایفای نقش/مشارکت و مسئولیت در برابر جامعه می‌باشد. طی سالهای بعد این مفهوم شناخته تر شد و اخلاق مالیاتی به عنوان یکی از مهمترین عواملی که بر روی نگرش مودیان مالیاتی نسبت به مالیات تأثیر می‌گذارد، رایج شد (باسیل و همکاران، ۲۰۱۱). اخلاق مالیاتی یک نام گروهی برای همه ی عوامل و مشوق‌هایی نظیر هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فردی می‌باشد که بر تمکین داوطلبانه فرد به قوانین مالیاتی تأثیری می‌گذارد. عامل " اخلاق مالیاتی" در پژوهش‌های جهانی بر اساس داده‌های " مرکز ارزیابی ارزش‌های جهانی " مورد سنجش قرار گرفته است این ارزیابی با پاسخ این پرسش انجام می‌شود: " آیا در صورتی که امکان/فرصت فرار مالیاتی داشته باشید انجام می‌دهید؟ " پاسخ‌ها به این سوال از (۱ = هرگز) تا (۱۰ = همیشه) ادامه می‌یابد. بنابراین، ارزش‌های پایین تر نشانگر اخلاق مالیاتی بالاتر می‌باشد. و ارزش‌های بالاتر نشانگر اخلاق مالیاتی پایین تر است. یعنی اخلاق مالیاتی در نظر می‌گیرد که یک فرد تا اندازه فرار مالیاتی را بد می‌داند و هرچه شخص اخلاق مالیاتی پایین تری داشته باشد در صورت وجود فرصت و یا امکان انجام تمایل به عدم پرداخت مالیات را خواهد داشت. و در این راستا اولین پژوهش درباره اخلاق مالیاتی توسط تورگلر (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های مرکز ارزیابی ارزش‌های جهانی در استرالیا انجام شد یافته‌ها حاکی از آن است که اخلاق مالیاتی از طریق هنجارهای اجتماعی و اعتماد مودیان به دولت و اعتقادات مذهبی بر تمکین مالیاتی تأثیر معنادار مثبت دارد. لازم به ذکر است که در جهان پژوهشگران برای سنجش اخلاق مالیاتی از آرشو داده‌های مرکز ارزشیابی جهان استفاده می‌نمایند این آرشو دربرگیرنده کشورهای مختلف در سطح دنیا می‌باشد. اما در مورد ایران هیچ گونه داده و آرشویی وجود ندارد. لذا محقق برای سنجش اخلاق مالیاتی از پرسشنامه استاندارد پس از تایید روایی و پایایی استفاده می‌کند.

فرهنگ سازمانی

اواخر دهه ۱۹۶۰، هافستد مطالعات و تحقیقات وسیعی را با هدف اثبات نقش و تأثیر تفاوت‌های فرهنگی جوامع و سازمانها بر مدیریت و عملکرد سازمانها آغاز کرد. پژوهش او به یکی از وسیع‌ترین پژوهش‌های میدانی در جهان تبدیل شد وی از ۱۱۶ هزار نفر از کارکنان شرکت آی - بی - ام در بیش از ۴۰ کشور جهان از جمله استرالیا،

اتریش، برزیل، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان غربی، انگلیس، هند و ... نظرسنجی نمود. او فرهنگ را به عنوان یک ذهنیت برنامه ریزی شده جمعی تعریف می کند که اعضای یک جامعه را از دیگری متمایز می کند و در نهایت یک مدل ۴ بعدی را برای معرفی و مقایسه تفاوت‌های فرهنگی معرفی کرد. این ۴ بعد عبارتند از: فاصله قدرت، ابهام‌گریزی، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و مردگرایی در برابر زن‌گرایی می‌خواند. مطالعه وی با تمرکز بر تنوع فرهنگی به عنوان جامع‌ترین مطالعه تجربی تاکنون شناخته شده است (هافستد، ۱۹۸۰). دو پژوهش رابطه فرهنگ و مالیات را به کمک ابعاد فرهنگی هافستد مورد بررسی قرار داد و آغازگر تحقیقات آتی شدند. تحقیق اول توسط تسکامیس و همکارانش در سال ۲۰۰۷ انجام شد و مورد دوم، مطالعه ریچاردسون (۲۰۰۸) است. در پژوهش نخست، تسکومیس و همکاران (۲۰۰۷) رابطه بین فرار مالیاتی و فرهنگ را با استفاده از تحلیل رگرسیون OLS تحلیل نمودند متغیر وابسته، فرار مالیاتی و متغیرهای مستقل در پژوهش، ابعاد فرهنگی هافستد در نظر گرفته شده بود و متغیر درآمد سرانه به عنوان متغیر کنترل لحاظ گردید. نتایج تحلیل رگرسیون OLS نشان داد بین فرار مالیاتی و ابهام‌گریزی، مردگرایی و فاصله قدرت رابطه مثبت وجود دارد، در حالی که بین فرار مالیاتی و فردگرایی رابطه منفی وجود دارد. همچنین مشخص شده است که بین فرار مالیاتی و درآمد ملی سرانه رابطه منفی وجود دارد. در مجموع نتایج این دو پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ عامل مهمی برای توضیح میزان فرار مالیاتی است.

ابهام‌گریزی (اجتناب از عدم اطمینان)

ابهام‌گریزی یا اجتناب از عدم اطمینان میزان احساس خطری تعریف می‌شود که اعضای یک فرهنگ نسبت به وضعیت ناشناخته و توأم با عدم اطمینان دارند (هافستد و همکاران، ۲۰۱۰). این شاخص فرهنگی به درجه تمایل افراد به ثبات و قابل پیش‌بینی بودن امور مربوط است و میزان تحمل افراد را در قبال تردید، عدم اطمینان، عدم قطعیت و ریسک نشان می‌دهد. در جوامع یا سازمانهایی که این شاخص (ابهام‌گریزی) در آنها بالاست، حجم زیادی از قوانین و مقررات و پیچیدگی وجود دارد. ابهام‌گریزی، میزان تحمل افراد یک جامعه در برابر عدم قطعیت و ابهام تمرکز دارد و بالعکس (هافستد، ۱۹۸۰). زمانی که مردم ساختار مالیاتی را پیچیده قلمداد کنند، سعی می‌کنند از مالیات اعمال شده بر درآمدهایشان فرار کنند. به طور کلی، هر چه ابهام‌گریزی افراد کمتر باشد به نهادهای دولتی کشورشان اتکای بیشتری دارند، اقدامات دولت را پاسخگو و در راستای برقراری عدالت اجتماعی می‌بینند، در حالیکه افراد در فرهنگ‌های با سطح بالای ابهام‌گریزی، نسبت به سیستم‌های دولتی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اعتمادی ندارند و اغلب احساس می‌کنند که سیستم حقوقی و قانونی کشور در مقابل آنها قرار گرفته است در نتیجه تمایل و انگیزه افراد برای پرداخت مالیات کاهش می‌یابد و منجر افزایش فرار مالیاتی و نقض قوانین و مقررات می‌گردد. این موضوع را پژوهشگرانی همچون (وایتل، نوچوکو و بارنز (1993) ، هاستد (1999) و تیساکومیس، کوراتولا و پارکانو (2007) تأیید کرده‌اند. باتوجه به مبانی نظری مطرح شده به نظر می‌رسد افراد در فرهنگ‌های با سطح ابهام‌گریزی بالا تمایل و انگیزه کمتری برای پرداخت مالیات خواهند داشت. لذا این فرضیه مطرح می‌شود که ابهام‌گریزی تأثیر معناداری بر اخلاق مالیاتی خواهد داشت.

مرد منشی

ارزش‌ها در یک جامعه مردانه تلاش برای بهتر بودن، رقابت و برنده بودن می‌باشد. حال آن که در یک جامعه زنانه توجه و اهمیت دادن به دیگران و حفظ ارزش‌های تربیتی و کیفیت زندگی حائز اهمیت می‌باشد (هافستد، ۱۹۹۱). در جامعه‌ای با فرهنگ مردمنشی کمتر، آموزش و کیفیت زندگی، اهمیت بیشتری دارند. جامعه‌ی مردمنش، بیشتر به رقابت و موفقیت‌های مادی اهمیت می‌دهد (ویژگی‌های «مردانه»). و بالعکس در فرهنگ با خصوصیت مردمنشی کمتر به آموزش و حصول کیفیت زندگی بالاتر، اهمیت و توجه بیشتری می‌شود (ویژگی‌های «زنانه» هافستد (۲۰۰۱). نتایج پژوهش دوپینک و تیساکومیس (۲۰۰۴) رابطه‌ی مثبت جامعه‌ی مردگرا منجر به افشای اطلاعات بیشتر می‌شود زیرا خصوصیت مرد منشی تمایل بیشتری به افشای اطلاعات به افراد خارج از شرکت دارند (دوپینک و همکاران، ۲۰۰۴) مرد منشی تمایل بیشتری برای نشان دادن عملکرد بهتر و موفقیت‌های کاری وجود دارد لذا تمکین مالیاتی به منظور جلوگیری از تحمیل جرایم مالیاتی و خدشه دار شدن اعتبار، بیشتر است (تیساکومیس و همکاران، ۲۰۰۷). هافستد (۲۰۱۱) با نشان دادن رابطه متقابل منفی میان مردمنشی و عدم سختگیری در برخورد با قانون‌شکنان، از مفهوم مذکور حمایت می‌کند. در جامعه‌ی مرد منشی به جای ملایمت و ارفاق، اغلب بر جرایم و مجازات‌های سخت‌گیرانه تمرکز دارند و به همین دلیل تمایل و انگیزه بیشتری برای تمکین از قوانین وجود دارد (هافستد، ۱۹۹۹). در جامعه مردگرا، تخطی از قوانین و مقررات مشمول مجازات و تنبیه می‌شود، و در خصوص بحث مالیات عدم تمکین از قوانین و مقررات مالیاتی جرایم زیادی را به دنبال دارد. در حالیکه فرهنگ‌های با مردگرایی کمتر، بیشتر تمایل به براصلاح به جای تنبیه و مجازات وجود دارد. با توجه به مبانی نظری مطرح شده به نظر می‌رسد افراد در فرهنگ‌های با سطح مرد گرایی بالا تمایل و انگیزه بیشتری برای پرداخت مالیات خواهند داشت. لذا این فرضیه مطرح می‌شود که مردگرایی تأثیر معناداری بر اخلاق مالیاتی خواهد داشت.

فاصله قدرت

فاصله قدرت یعنی میزان نابرابری میان اعضای یک جامعه، در جامعه با فاصله قدرت بالا، میان افراد آن جامعه نابرابری قدرت و ثروت وجود دارد و افرادی که دارای قدرت و ثروت هستند از امتیازات ویژه‌ای نیز برخوردار می‌باشند. فاصله قدرت به نحوه مدیریت و برخورد با عدم تساوی و بی‌عدالتی بشری توسط جوامع اطلاق می‌یابد. در جامعه‌ای با فاصله قدرت بیشتر، شهروندان نابرابری و بی‌عدالتی را در سلسله مراتب سازمانی به عنوان امری معمول پذیرفته‌اند. اما در جوامع با فاصله قدرت کم، نابرابری بین افراد حداقل است و وجود سلسله مراتب درون جامعه، صرفاً برای راحتی انجام امورات می‌باشد نه ایجاد منافع و مزایا برای گروهی خاص (تیساکومیس و همکاران، ۲۰۰۷). در جامعه با فاصله قدرت زیاد، نظام مالیاتی ناعادلانه و غیرمنصفانه باشد زیرا امتیازات خاصی را برای افراد دارای قدرت و ثروت در نظر بگیرد لذا در چنین وضعیتی افراد جامعه که فاصله قدرت و وجود مزایا و امتیازات ویژه برای گروهی خاص (دارای قدرت و ثروت) را ملاحظه می‌کنند انگیزه و تمایل خود را برای پرداخت مالیات از دست می‌دهند. (بگو، ۱۹۷۶) نظام مالیاتی در این فرهنگها نه تنها موجب افزایش عدالت اجتماعی در

جامعه نمی شود، بلکه بر شکاف طبقاتی بین اقشار جامعه و گسترش بی عدالتی می افزاید و به طور بالقوه انگیزه بیشتری را برای فرار مالیاتی ایجاد می کند (تیساکومیس و همکاران، ۲۰۰۷). در مقابل، افراد در فرهنگهای با فاصله قدرت کم، نابرابری قدرت و ثروت را نامطلوب می دانند در این فرهنگ ها، تفاوت درآمدی کمی به چشم می خورد که این تفاوت اندک نیز به کمک نظام های مالیاتی عادلانه (درآمد بیشتر، مالیات بیشتر) کمتر می شود زیرا به طور کلی تمایل افراد برای پرداخت مالیات و تمکین قوانین و مقررات مالیاتی بیشتر است، لذا در این فرهنگ ها با حاکمیت نظام های مالیاتی کارا، وصول مالیات که یکی از اصلی ترین مظاهر حق حاکمیت و ابزاری برای برقراری عدالت اجتماعی است، به درستی تحقق می یابد و دولت میتواند به درآمدهای مالیاتی اتکا کند. باتوجه به مبانی نظری مطرح شده به نظر می رسد افراد در فرهنگهای با فاصله قدرت زیاد تمایل و انگیزه کمتری برای پرداخت مالیات خواهند داشت. لذا این فرضیه مطرح می شود که فاصله قدرت تاثیر معناداری بر اخلاق مالیاتی خواهد داشت.

فردگرایی

در یک جامعه فرد گرا، پیشرفت و روابط بین فردی مورد حمایت و تقویت می باشد. استانداردهای ارزشی مشابه برای تمام افراد اطلاق می گردد (هافستد، ۱۹۸۰). فردگرایی به میزان استقلال فرد، تصور و پنداشت شخص از خود مربوط می باشد، وجود فرد گرایی در یک جامعه حاکی از آن است که افراد ترجیح می دهند به صورت فردی عمل کنند تا به صورت گروهی (هافستد، ۱۹۸۴). در جوامع فردگرا ارتباطات میان افراد مستحکم نمی باشد، در این جامعه معمولاً هر شخص صرفاً به خود یا خانواده درجه یک خود توجه داشته و اهمیت می دهد. جمع گرایی به جوامعی اشاره دارد که در آن افراد بعد از تولد وارد گروه های قدرتمند و پیوسته ای می شوند، و این ارتباط و حضور گروهی در زندگی فرد ادامه می یابد تا در ازای وفاداری بی چون و چرا، گروه از آنها حمایت نماید (هافستد و همکاران، ۱۹۹۱). یعنی خانواده، قبیله یا سازمان از علایق اعضای خود حمایت می کنند و در مقابل از آن ها انتظار وفاداری مستمر و همیشگی دارند. اعضا نیز اهداف، نیازها و نظرات گروهی نسبت به خواسته های فردی برایشان در الویت می باشد. به عبارتی هنجارهای اجتماعی گروهی بر فردی ترجیح داده می شود. جوامع فردگرا معمولاً بر این باورند که ارزش ها باید میان تمامی افراد مشترک باشند. و قوانین، مقررات و فرآیندها باید به صورت سراسری و برای همگی اجرا شود (ترامپ ناز و ترنر، ۱۹۹۸). به نظر می رسد با چنین شرایطی نظام های مالیاتی می تواند منصفانه و عادلانه عمل نماید یعنی قوانین و مقررات مالیاتی به شکلی مشابه برای تمامی افراد اعمال گردد تا توزیع بار مالیاتی به شکلی عادلانه و منصفانه انجام شود (ساندفور، ۲۰۰۰). بنابراین در فرهنگ های با سطح فردگرایی بالا، بار مالیاتی باید به صورت عادلانه و یکسان اطلاق یابد، امری که منجر به فرار مالیاتی کمتر می گردد در این شرایط، معمولاً مردم به قوانین مالیاتی تمکین می نمایند و انگیزه و تمایل بیشتری برای پرداخت مالیات دارند، زیرا برداشت آنها از نظام مالیاتی برداشتی عادلانه می باشد (اسپایسر ۱۹۷۴؛ میلیرون و توی، ۱۹۸۸). و بالعکس هر چه نظام مالیاتی عادلانه نباشد و توزیع بار مالیاتی متناسب با درآمد افراد نباشد انگیزه افراد برای عدم پرداخت مالیات و عدم تمکین از قوانین و مقررات بیشتر می گردد و فرار مالیاتی افزایش می یابد. جوامع

جمع‌گرا دارای استانداردهایی هستند که ممکن است از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشند. به دلیل این که تمامی قوانین مالیاتی ممکن است با توجه منافع گروه متفاوت دیده و ارزیابی شوند، لذا نظام مالیاتی خود را ناعادلانه می‌گردد و مودیان مالیاتی نیز به قوانین مالیاتی تمکین نمی‌کنند زیرا قوانین را عادلانه نمی‌دانند و تصور دارند که به واسطه وجود قوانین و مقررات منافع گروهی خاص تامین گردیده است (ریچاردسون، ۲۰۰۸). در جامعه با فرهنگ جمع‌گرای، قوانین و مقررات برای همه یکسان نیست. در حالیکه جوامع فردگرا بر این باورند که حقوق و قوانین باید برای همه افراد جامعه برابر باشد. بنابراین در فرهنگ‌های با فردگرایی زیاد، سیستم‌های نظارتی و راهبردی دقیق‌تری وجود دارد و به همین دلیل نیز افراد بیشتر تابع قوانین و مقررات از جمله قوانین و مقررات مالیاتی هستند و به دلیل بهره‌مندی از سیستم‌های نظارتی و راهبردی بهتر، سطح تمکین مالیاتی بالاتر است و اخلاق مالیاتی بیشتر است (تساکومیس، ۲۰۰۷). با توجه به مبانی نظری مطرح شده به نظر می‌رسد افراد در فرهنگ‌های با سطح فردگرایی بالا تمایل و انگیزه بیشتری برای پرداخت مالیات خواهند داشت. لذا این فرضیه مطرح می‌شود که فردگرایی تاثیر معناداری بر اخلاق مالیاتی خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

با مطالعه پژوهش‌ها و متون مربوطه در حوزه مالیات مشخص گردید تا کنون پژوهشی در خصوص ارتباط فرهنگ سازمانی و فرهنگ مالیاتی با اخلاق مالیاتی انجام نشده است و همین موضوع می‌تواند یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر باشد. مطالعاتی که تا به امروز صورت پذیرفته به بررسی هر عامل به صورت مجزا پرداخته‌اند که به این مطالعات در ادامه اشاره می‌شود:

کومینگز و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی نقش فرهنگ در رفتار مالیاتی پرداختند نتایج حاکی از آن است در کنار قوانین و مقررات مالیاتی، عوامل تأثیرگذار دیگری بر رفتار مالیاتی مودیان وجود دارد. رفتار مالیاتی مودیان تابعی از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است، ضرورت توجه و شناسایی این هنجارها به منزله‌ی ابزاری مطلوب برای افزایش تمکین مالیاتی در کنار قوانین و مقررات الزام‌آور و کاهش فرار مالیاتی خواهد بود. الم و تورگلر (۲۰۰۶) از نتایج تحقیقی با محوریت اخلاق مالیاتی دریافتند که اخلاق مالیاتی به شکل معنادار و نظام‌مندی در سطح کشورها (آمریکا و غرب اروپا) متفاوت می‌باشد چرا که این کشورها از سطوح متفاوت کیفیت و ساختار نهادی، سیاسی و اقتصادی برخوردار می‌باشند. این تفاوت‌ها بر برداشت‌ها و پنداشت شهروندان پیرامون اعتماد به دولت، پرداخت مالیات تأثیرگذار بر اخلاق مالیاتی، تاثیر خواهد گذاشت.

مارتینز وازکوئز و تورگلر (۲۰۰۹) تاثیر اعتماد عموم به دولت را بر اخلاق مالیاتی را در اسپانیا بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود شرایط اجتماعی اقتصادی و افزایش کیفیت خدمات اجتماعی (ارائه شده توسط دولت) موجب ارتقای اخلاق مالیاتی اسپانیایی‌ها شده است. مودیان مالیاتی تغییرات اقتصادی و سیاست‌های مالیاتی را که سبب تقویت و بهبود ساختارهای نهادی شده است را مطلوب قلمداد نموده و حاصل جمع تاثیرات تغییرات در سیاست اقتصادی به سطح بالاتری از اعتماد به دولت و ارتقای اخلاق مالیاتی منتهی و منجر می‌گردد.

بمآلدرد و همکارانش (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان فرهنگ ملی و سطح گریز مالیاتی اجرا کردند. آنها نشان دادند ارزشهای فرهنگی میتوانند رفتارهای ناهنجار شرکتها از « شرکتی جمله عدم تمکین مالیاتی (گریز مالیاتی) را توضیح دهند. بررسی گسترده ای با استفاده از داده های واقعی ۳۰۰۰ شرکت در ۳۱ کشور دنیا صورت گرفت. در نهایت نتایج پژوهش نشان داد عوامل فرهنگی بر سطح گریز مالیاتی شرکتی تأثیر بسزایی دارد.

بریزی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر تمکین مالیاتی پرداختند. در این تحقیق با بررسی ادبیات ۱۵ ساله تمکین مالیاتی عوامل متعددی در تمکین مالیاتی شناسایی شدند و مشخص شد عواملی مانند قوانین مالیاتی، اعتماد نسبت به نظام سیاسی و همچنین هنجارهای شخصی و اجتماعی بر تمایل به پرداخت مالیات و تمکین مالیاتی مؤثر هستند. در این مطالعه اثر جهت گیری های ارزش اجتماعی بر نیت افراد برای پرداخت مالیات و یا فرار از مالیات مورد بررسی قرار گرفت و نتایج تحقیق نشان داد که بین ارزش های اجتماعی و تمایل افراد به پرداخت مالیات رابطه معنی داری وجود دارد.

هاینس (۲۰۲۰) ، هدف پژوهش او بررسی عوامل مؤثر بر اخلاق مالیاتی است. طیف گسترده ای از متغیرهای توضیحی به عنوان عوامل تعیین کننده اخلاق مالیاتی شناخته می شوند. یافته حاکی از آن است که تئوری نهادی مبنای نظری مناسبی را برای کشف و شناسایی اخلاق مالیاتی را ارائه می کند. در واقع، همه عواملی که تاکنون به عنوان عوامل تعیین کننده اخلاق مالیاتی شناخته شده اند (به جز متغیر های کنترل و جمعیت شناختی) را می توان به عنوان عوامل متعلق به نهاد های رسمی و غیر رسمی طبقه بندی کرد.

سامتی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی پرداخت. نتایج حاصل از برآورد مدل ها نشان می دهد که متغیرهای نگرش نسبت به فرار مالیاتی، هنجارهای اجتماعی و اعتماد به دولت و سیستم مالیاتی، حقوقی و قضایی در سطح اطمینان ۹۵٪ و متغیر سن در سطح اطمینان ۹۰٪ اثر مثبت و معناداری بر اخلاق مالیاتی دارند. همچنین، در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر اخلاق مالیاتی اثر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی دارد.

کندلجی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی عوامل موثر بر اخلاق مالیاتی دانشجویان در اصفهان پرداختند. تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن، جنسیت، درآمد، سطح تحصیلات و قومیت بر متغیر اخلاق مالیاتی بررسی می شود. از نتایج این مطالعه می توان به تأثیر مثبت سن و درآمد و تأثیر منفی تحصیلات و قومیت اشاره کرد. همچنین، نتایج نشان می دهند که زنان نسبت به مردان اخلاق مالیاتی بالاتری دارند.

عزیزی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی عناصر اقتصادی و غیر اقتصادی مؤثر بر تمکین مالیاتی مؤدیان، نشان داد اگرچه رویکردهای متفاوتی نظیر اجبار و اعتماد یا تنبیه و تشویق در برخورد با تمکین مالیاتی مطرح است اما تمکین مالیاتی تقریباً با خوداظهاری به عنوان سیستمی مبتنی بر اعتماد بر مؤدیان شناخته می شود. اصلاح ساختار مالیاتی و اتخاذ سیاست های بهینه مالیاتی نیازمند شناخت مؤدیان مالیاتی و عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی مؤثر بر رفتار تمکین آنان است. فرهنگ مالیاتی با داشتن مزایایی نظیر افزایش سطح رفاه عمومی جامعه نقش بسزایی در سطح اقتصاد کلان هر کشوری داراست.

خواجهی و کرمانشاهی (۱۳۹۷) نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که اگر دولت به مردم اطمینان دهد که منابع مالیاتی گردآوری شده

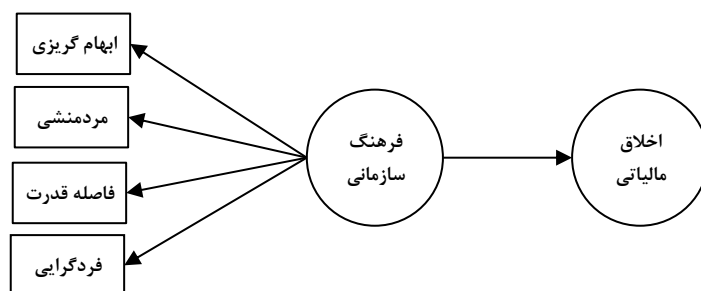
در راستای خدمت‌رسانی بیشتر به آن‌ها و سایر بخش‌های مولد اقتصاد پرداخت می‌شود، می‌تواند نگرش مودیان مالیاتی را اصلاح کند و مودیان مالیاتی فرار از پرداخت مالیات را رفتاری بدون ارزش‌های اخلاقی خواهند دانست.

حیدری و همکاران (۱۳۹۸) فرهنگ مالیاتی را در نظام معنایی مودیان مالیاتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نظام معنایی مودیان مالیاتی درباره پدیده مالیات پیرامون تعدادی مقوله عمده و یک مقوله هسته به نام «مطالبه‌گری نامتوازن» است. و متغیرهای نظام‌مندی مالیات، اعتماد متقابل کنشگران، عدالت مالیاتی و کارآمدی مصارف مالیاتی به‌طور مستقیم، شفاف‌بودن قوانین مالیاتی و اقتدارگرایی مالیاتی به‌طور غیرمستقیم و متغیرهای انصاف مالیاتی و سلامت اقتصادی مسئولان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ مالیاتی مودیان اثر می‌گذارند.

مدل مفهومی و فرضیه‌های پژوهش

با بررسی ادبیات پژوهش مشخص گردید اگرچه اخلاق مالیاتی از درون تشویق و انگیزه می‌شود اما تابعی عوامل گوناگونی است که می‌تواند بر آن تاثیر بگذارد بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیقات گذشته در بخش قبل رابطه مشخص بین فرهنگ سازمانی و اخلاق مالیاتی را پیش‌بینی می‌کند که در شکل یک رابطه بین متغیرها به صورت یک مدل مفهومی پیشنهاد می‌گردد. تا کنون تاثیر فرهنگ سازمانی بروی اخلاق مالیاتی در ایران مورد مطالعه قرار نگرفته است لذا پس از ارائه تفصیلی ادبیات نظری و تجربی موضوع مورد مطالعه فرضیه‌های سازگار با مبانی نظری جهت آزمون مطرح می‌گردد:

- فرضیه ۱: فرهنگ سازمانی بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۱-۱: ابهام‌گریزی بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۱-۲: فردگرایی بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۱-۳: مردمنشی بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی‌داری دارد.
- فرضیه ۱-۴: فاصله قدرت بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی‌داری دارد.



شکل ۱ - مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ شیوه اجرا از نوع تحقیقات پیمایشی و به لحاظ بررسی رابطه بین متغیرها از نوع تحقیقات همبستگی می باشد. در این پژوهش به منظور بررسی تاثیر فرهنگ سازمانی بر اخلاق مالیاتی از روش های میدانی استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر پرسشنامه استاندارد می باشد. متغیرهای پژوهش شامل متغیر وابسته، اخلاق مالیاتی و متغیر مستقل، فرهنگ سازمانی می باشد. جهت اندازه گیری هر یک از متغیرهای فوق از پرسشنامه استاندارد که به لحاظ روایی و پایایی مورد تایید قرار گرفته استفاده شده است زیرا محدودیت ذاتی تحقیقات پیمایشی پرسشنامه ای عدم تمایل مشارکت کنندگان است که می تواند تاثیر سو بر پاسخ ها داشته باشد لذا به منظور اجتناب از تاثیر این عوامل از مقیاس ها و ابزارهایی استفاده شده که علاوه بر داشتن مبانی نظری، روایی آن هم در تحقیقات قبلی ثابت شده است. جهت سنجش متغیر "اخلاق مالیاتی" از پرسشنامه ی استاندارد اخلاق مالیاتی لوبین و زاری (۲۰۱۱) استفاده شده است که روایی و پایایی آن مورد تایید رسیده است. پرسشنامه شامل ۶ گویه با مقیاس پاسخگویی طیف لیکرت ۵ درجه ای می باشد. نمره گذاری گویه ها به صورت "کاملا موافقم = ۵" تا "کاملا مخالفم = ۱" انجام می شود.

جهت سنجش "فرهنگ سازمانی" از پرسشنامه فرهنگی هافستد استفاده شده است که روایی و پایایی این پرسشنامه قبل از انجام این پژوهش در پژوهش هافستد (۱۹۸۰) به تایید رسیده است با مقیاس پاسخگویی طیف لیکرت ۵ درجه ای انجام شده است. پرسشنامه شامل ۲۵ گویه می باشد که به ترتیب ۹ سوال درباره مرد منشی، ۵ سوال درباره ابهام گریزی، ۵ سوال درباره فرد گرایی و ۶ سوال درباره فاصله قدرت می باشد. نمره گذاری گویه ها به صورت "کاملا موافقم = ۵" تا "کاملا مخالفم = ۱" انجام می شود.

برای اطمینان از روایی پژوهش، پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفته شد و پس از اطمینان از نتایج در جامعه آماری توزیع گردید. پایایی و قابلیت اعتماد آنها به کمک آلفای کرونباخ تایید گردید. جامعه آماری متشکل از مودیان مالیاتی (اشخاص حقوقی) در سطح ادارات شهر تهران می باشد. با توجه به اینکه جامعه آماری نامحدود می باشد روش نمونه گیری تصادفی در نظر گرفته می شود. لذا با در نظر گرفتن خطای ۵ درصد فرمول کوکران، تعداد نمونه های مورد نیاز ۳۸۶ تعیین می گردد که به دلیل محدودیت ذاتی تحقیقات پیمایشی پرسشنامه ای ۴۲۰ پرسش نامه توزیع گردید که تعداد ۳۹۵ پرسشنامه جمع اوری گردید که در نهایت ۳۸۵ پرسشنامه توسط مشارکت کنندگان تکمیل و به تمامی سوالات پاسخ داده اند و در فرایند آزمون و فرضیه های تحقیق استفاده شده است. مراحل جمع آوری، کنترل و تلخیص داده ها در اکسل انجام می شود و کلیه ی محاسبات از جمله برآورد مدل ها و انجام آزمون های آماری کلیه آزمون ها در سطح معناداری ۵ درصد توسط نرم افزار پی ال اس صورت می گیرد.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی جمعیت شناختی

ابعاد جمعیت شناختی با ماهیت گسسته در این پژوهش شامل جنسیت، تحصیلات می باشد. نمونه پژوهش از نظر جنسیت، ترکیبی از مرد (۶۳.۵٪) و زن (۳۶.۵٪) می باشد و از نظر تحصیلات، ترکیبی از سطح دکترای تخصصی (۱۳.۳٪)، سطح کارشناسی ارشد (۳۹٪)، سطح کارشناسی (۴۴.۱۰۰٪)، سطح کاردانی (۲.۸٪) و سطح دیپلم (۰.۸٪) می باشد. سن و تجربه دو متغیر جمعیت شناختی پژوهش بوده است که پیوسته است و از نظر سن، ترکیب سنی از ۲۴ تا ۶۳ می باشد و ۴۷.۷ درصد نمونه در رده سنی ۲۴ تا ۴۰ سال قرار دارد و ۵۳.۳ درصد بالای ۴۰ سال تا ۶۳ سال و از نظر تجربه، ترکیب سابقه تجربی از ۱ تا ۳۰ را شامل شده است که ۳۵.۲ درصد تا ۱۰ سال تجربه کاری دارند و ۴۶.۴۳ درصد بالای ۱۰ سال تا ۲۰ سال تجربه کاری دارند و ۱۸.۳۷ درصد بالای ۲۰ سال تا ۳۰ سال تجربه کاری دارند که جزییات بیشتر توصیفی این متغیرها در جدول زیر نشان داده شده است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل پژوهش در قالب سازه ارزشهای فرهنگی هافستد که سازه فرهنگ هافستد از مرتبه دوم می باشد و دارای ۴ مولفه هستند. ابعاد ارزشهای فرهنگی هافستد شامل ۴ مولفه مردگرایی، فردگرایی، ابهام‌گریزی و فاصله قدرت می باشد که میانگین آنها به ترتیب ۲۶.۷۹۶، ۱۱.۰۸۲، ۱۱.۳۵۷ و ۱۶.۶۹۴ می باشد. متغیرهای وابسته اخلاق مالیاتی می باشد که میانگین آن ۲۵.۸۷۵ می باشد و دیگر مختصات توصیفی همه متغیرهای پژوهش نیز در جدول زیر نشان داده شده است. از نظر بررسی توزیع داده ها و نرمالیتت نیز پس از کنار گذاشتن داده های پرت و پرسشنامه های ناکامل و غیر دقیق، با بررسی متغیرهای پژوهش مبتنی بر آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، متغیرها نرمال نمی باشد که این عدم نرمالیتت یکی از دلایل استفاده از نرم افزار معادلات ساختاری - SMART- PLS می باشد که به نرمال بودن حساس نمی باشد.

جدول (۱) آمار توصیفی و نرمالیتت سازه های پژوهش

معنی داری	آماره کولموگروف-اسمیرنوف	انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	متغیر
0.000	0.173	6.230	26.796	42.000	19	مردگرایی
0.000	۱0.23	3.759	11.082	22.000	6	فردگرایی
0.000	0.291	5.507	11.357	20.000	5	ابهام‌گریزی
0.000	0.135	5.607	16.694	26.000	8	فاصله قدرت
0.000	0.329	3.760	25.857	30.000	10	اخلاق مالیاتی

ارزیابی مدلسازی

ارزیابی مدلها در معادلات ساختاری سه نوع می باشد، که در قالب ارزیابی مدل اندازه گیری (پایایی شاخص ها، بارهای عاملی، روایی همگرا، روایی واگرا و همخطی)، ارزیابی مدل ساختاری (ضریب تعیین، معیار پیش بین و معناداری ضرایب مسیر) و ارزیابی مدل کلی در زیر به آنها پرداخته شده است.

پایایی شاخص ها

همانگونه که مطرح شده است برای پایایی سازه ها دو معیار مهم در SEM-PLS قابل استخراج است که در جدول زیر گزارش شده است و طبق جدول حداقل آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی به ترتیب ۰.۸۱۰ و ۰.۷۵۵ می باشد که همگی از ۰.۷ بالاتر است و پایایی بسیار خوبی ابزار های اندازه گیری دارند.

جدول ۲) خلاصه شاخص های پایایی

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)
ابهام گریزی	0.926	0.944
اخلاق مالیاتی	0.858	0.894
فاصله قدرت	0.882	0.910
فردگرایی	0.817	0.872
فرهنگ سازمانی	0.810	0.755
مردگرایی	0.900	0.918
کمیته پایایی	0.810	0.755

بارهای عاملی

بارهای عاملی میزان همبستگی شاخص ها با سازه خود می باشند که اگر بار عاملی کمتر از ۰.۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می شود. بارعاملی بین ۰.۳ تا ۰.۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰.۶ باشد خیلی مطلوب است. (کلاین، ۱۹۹۴) و البته فراتر از مقدار این عدد، باید در سطح حداقل ۹۵ درصد با اهمیت باشد. بارهای عاملی سازه های اخلاق حداقل ۰.۷۴۱ (بزرگتر از ۰.۴) و بارهای عاملی ۴ سازه مربوط به بعد فرهنگی هافستد حداقل ۰.۷۳۰ (بزرگتر از ۰.۴) می باشند و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند و از پایایی مطلوب در مدل اندازه گیری خود برخوردارند.

روایی همگرا - AVE

از معیارهای دیگر برای ارزیابی مدل های اندازه گیری، روایی همگرا می باشد که با شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) سنجیده می شود (به عبارت دیگر میانگین مقادیر اشتراکی) که هرچه بیشتر باشد؛ بهتر

است (بارکلی و همکاران، ۱۹۹۵) و عدد بحرانی آن طبق نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۱)، حداقل ۰.۵ می باشد. طبق جدول زیر تمام AVE های سازه‌ها بالای نیم است (از ۰.۵۵۴ تا ۰.۷۷۲) و همگی در سطح اطمینان ۹۹.۹ درصد، معنادار هستند.

جدول ۳) روایی همگرا-AVE

معنی داری	آماره تی	انحراف معیار	میانگین	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	سازه برونزای مرتبه اول
0.000	84.804	0.009	0.772	0.772	ابهام‌گریزی
0.000	16.325	0.036	0.584	0.584	اخلاق مالیاتی
0.000	57.034	0.011	0.629	0.629	فاصله قدرت
0.000	26.532	0.022	0.575	0.577	فردگرایی
0.000	39.916	0.014	0.553	0.554	مردگرایی

روایی واگرا

از دیگر معیارهای سنجش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی واگراست که به دو روش اشاره شده است.

فورنل - لارکر (واگرایی سازه‌ها)

در این روش همبستگی یک سازه و شاخص‌هایش با سازه‌های دیگر سنجیده می‌شود که باید تعامل یک سازه با شاخص‌هایش بیشتر از تعامل با دیگر سازه‌ها باشد. بنابراین طبق معیار فورنل و لارکر در این روش باید AVE هر سازه بازتابنده از حداکثر همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر باشد و آن گونه که در جدول دیده می‌شود این معیار برقرار است و در همه موارد این بزرگی برقرار است و واگرایی مطلوبی بین سازه‌ها برقرار است.

جدول ۴) روایی واگرا- فورنل لارکر

فورنل لارکر	ابهام‌گریزی	اخلاق مالیاتی	فاصله قدرت	فردگرایی	مردگرایی
ابهام‌گریزی	0.878				
اخلاق مالیاتی	0.266	0.764			
فاصله قدرت	-0.370	-0.232	0.793		
فردگرایی	-0.370	-0.504	0.389	0.760	
مردگرایی	-0.083	-0.230	0.242	0.282	0.744

معناداری ضرایب

از ابتدایی‌ترین معیارهای سنجش روابط در بخش‌های ساختاری مدل‌ها می‌باشد که به تایید یا رد فرضیه‌ها به کمک آن پرداخته می‌شود و با آماره‌های T بزرگتر از ۱.۹۶، ۲.۵۸ و ۳.۲۷ به ترتیب سطوح معناداری ۹۵ درصد، ۹۹ درصد و ۹۹.۹ درصد تحقق می‌یابد. با توجه به جدول زیر دیده می‌شود که تمام مسیرهای در مدل ساختاری

دارای سطح اطمینان ۹۹.۹ معنادار هستند (احتمال معنی داری کوچکتر از یکصدم و یا آماره تی بزرگتر از ۳.۲۷) بدین معنا که ارزشهای فرهنگی اثر منفی معنادار بر اخلاق مالیاتی دارد (-۰.۲۶۰، ۰.۰۰۰) بطوریکه هر چه مردگرایی، فردگرایی و فاصله قدرت بیشتر باشد، اخلاق مالیاتی ضعیف تر است و بالعکس و همچنین ابهام گریزی هر چه کمتر باشد، اخلاق مالیاتی قویتر است و بالعکس.

جدول ۵) معناداری ضرایب مسیرها

معنی داری	آماره تی	انحراف معیار	میانگین	ضریب استاندارد مسیر	مسیر
0.000	17.025	0.039	-0.663	-0.659	فرهنگ -> ابهام گریزی
0.000	22.618	0.033	0.747	0.745	فرهنگ -> فاصله قدرت
0.000	27.270	0.026	0.723	0.721	فرهنگ -> فردگرایی
0.000	8.707	0.070	0.597	0.606	فرهنگ -> مردگرایی

همچنین ضرایب استاندارد اثر سازه های مرتبه دوم سازه های فرهنگ (ابهام گریزی، فاصله قدرت، فردگرایی و مردگرایی) بر اخلاق مالیاتی به شرح جدول زیر است که همگی در سطح اطمینان ۹۹.۹ درصد معنادار می باشد. و در اینجا نیز همسان با تفسیر بالا، مولفه های فاصله قدرت، فردگرایی و مردگرایی اثر منفی معنادار بر اخلاق مالیاتی دارند و مولفه ابهام گریزی اثر مثبت معنادار بر اخلاق مالیاتی دارد.

جدول ۶) معناداری ضرایب اثر سازه های مرتبه دوم فرهنگ بر اخلاق مالیاتی

معنی داری	آماره تی	انحراف معیار	میانگین	ضریب استاندارد مسیر	مسیر
0.000	3.797	0.056	0.224	0.214	ابهام گریزی -> اخلاق مالیاتی
0.000	5.687	0.038	-0.228	-0.216	فاصله قدرت -> اخلاق مالیاتی
0.000	6.804	0.067	-0.466	-0.458	فردگرایی -> اخلاق مالیاتی
0.000	4.306	0.051	-0.236	-0.220	مردگرایی -> اخلاق مالیاتی

معیار پیش بین (Q²)

معیار پیش بین از معیارهای دیگر ارزیابی ساختاری برآزش می باشد که به قدرت پیش بینی کننده مدل می پردازد (حاصل از اجرای BLINDING در نرم افزار SMART-PLS حدنصابهای حداقل ۰.۰۲، ۰.۱۵ و ۰.۳۵ را برای اثر به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی تعیین نموده اند. طبق جدول زیر دیده می شود که مقدار پیش بین همگی سازه ها مطابق حدنصابها می باشد.

جدول ۸) معیار پیش بین

سازه درونزا	SSO	SSE	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
ابهام‌گریزی	1960.000	1352.814	0.310
اخلاق مالیاتی	2352.000	2001.094	0.149
فاصله قدرت	2352.000	1592.970	0.323
فردگرایی	1960.000	1413.132	0.279
مردگرایی	3528.000	2868.671	0.187

ارزیابی مدل کلی-نیکویی برازش (GOF)

از معیارهای برای سنجش نیکویی برازش کلی در Smart-PLS، نیکویی برازش (GOF) می‌باشد. این معیار که مربوط به ارزیابی بخش کلی مدل پژوهش می‌باشد، بصورت جذر حاصلضرب میانگین مقادیر اشتراکی سازه‌های بازتابنده در میانگین ضرایب تعیین سازه‌های درونزا می‌باشد (میانگین هندسی از دو میانگین حسابی مقادیر اشتراکی وضرب تعیین) و مقادیر قابل قبول آن به ترتیب ۰.۰۱، ۰.۲۵ و ۰.۳۶ برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی تعیین شده است. با توجه به جدول زیر و میانگین ضریب تعیین و میانگین مقادیر اشتراکی به ترتیب ۰.۵۵۲ و ۰.۵۹۲ دیده می‌شود که مقدار GOF مدل ۰.۵۱۹ (بزرگتر از حدنصاب قوی ۰.۳۶) بدست آمده است و بنابراین مدل طبق این شاخص، نیکویی برازش مطلوبی دارد.

جدول ۹) نیکویی برازش GOF

سازه درونزا	ضریب تعیین (R^2)	مقدار اشتراکی (C)	افزونگی سازه‌ها ($R^2 * C$)
ابهام‌گریزی	0.434	0.772	0.335
اخلاق مالیاتی	0.282	0.584	0.165
فاصله قدرت	0.556	0.629	0.349
فردگرایی	0.520	0.577	0.300
مردگرایی	0.367	0.554	0.203
میانگین	0.432	0.623	0.270
نیکویی برازش (GOF)	جذر حاصلضرب میانگین ضریب تعیین در میانگین مقدار اشتراکی		0.519

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای مشخص کردن قدرت رابطه میان دو متغیر از ضرایب بتا استاندارد شده استفاده می شود و برای بررسی معنادار بودن روابط نیز از اندازه تی (t-value) استفاده شد که در نرم افزار Smart PLS با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار^۱ به دست می آید. اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد نتیجه می گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود و بالعکس اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته منفی باشد نتیجه می گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد کاهش در متغیر وابسته خواهیم بود. در ادامه بر پایه جدول زیر به آزمون فرضیه ها پرداخته شده است:

همانطور که در جدول مشاهده می شود ضریب مسیر فرهنگ بر اخلاق مالیاتی با مقدار $+0.260$ مثبت بوده که نشاندهنده رابطه مثبت بین متغیر مستقل و وابسته می باشد و با توجه به اینکه مقدار ضریب معناداری (آماره t) برای دو متغیر پژوهش با مقدار 5.482، بیشتر از 3.24 می باشد، بنابراین فرضیه پژوهش در سطح اطمینان 99.9 درصد رد نمی گردد و عوامل فرهنگی بر اخلاق مالیاتی تاثیر مثبت معنادار دارد بدین معنی که مردگرایی، فاصله قدرت و فردگرایی اثر مثبت (با توجه به ضرایب مثبت در مدل) و ابهام گریزی اثر منفی (با توجه به ضریب منفی در مدل) بر اخلاق مالیاتی دارد. همچنین باتوجه به پارامترهای اثر ابعاد فرهنگی بر اخلاق مالیاتی آنطور که در جدول دیده می شود هر چهار عامل ابهام گریزی (0.214، 0.000)، فاصله قدرت (0.216، 0.000)، فردگرایی (0.458، 0.000) و مردگرایی (0.220، 0.000) در سطح اطمینان 95 درصد معنادار هستند و فرضیه های مرتبط تایید می گردد، بدین معنی که با افزایش (کاهش) مردگرایی، فردگرایی و کاهش (افزایش) ابهام گریزی و فاصله قدرت، اخلاق مالیاتی افزایش (کاهش) می یابد.

جدول ۱۰) ضرایب استاندارد مسیر و آزمون فرضیه های پژوهش

نتیجه	معنی داری	آماره تی	انحراف معیار	ضریب بتا استاندارد مسیر	مسیر	فرضیه
عدم رد	0.000	3.797	0.056	-0.214	ابهام گریزی -> اخلاق مالیاتی	اثر ابهام گریزی بر اخلاق مالیاتی
عدم رد	0.000	5.687	0.038	-0.216	فاصله قدرت -> اخلاق مالیاتی	اثر فاصله قدرت بر اخلاق مالیاتی
عدم رد	0.000	6.804	0.067	0.458+	فردگرایی -> اخلاق مالیاتی	اثر فردگرایی بر اخلاق مالیاتی
عدم رد	0.000	4.306	0.051	0.220+	مردگرایی -> اخلاق مالیاتی	اثر مردگرایی بر اخلاق مالیاتی
عدم رد	0.000	5.482	0.047	0.260+	فرهنگ -> اخلاق مالیاتی	اثر عامل فرهنگی بر اخلاق مالیاتی

^۱ Bootstrapping

نتیجه‌گیری

نتایج آزمون فرضیه اول حاکی از آن است که ابهام‌گریزی بر اخلاق مالیاتی تاثیر منفی دارد و این تاثیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دارد می‌باشد. فقدان اعتماد به دولت در خصوص چگونگی خرج کرد درآمد های مالیاتی و پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی تمایل و انگیزه افراد برای پرداخت مالیات و تمکین از قوانین و مقررات کاهش می‌یابد و منجر به کاهش اخلاق مالیاتی می‌گردد. با این حال، زمانی که ابهام‌گریزی پایینتر، افراد درباره این که درآمدهای مالیاتی آنها چگونه توسط دولت استفاده خواهد شد اطمینان بیشتری دارند و این امر به شکل گیری دلایل کمتر برای فرار مالیاتی و افزایش اخلاق مالیاتی منتهی می‌گردد. یعنی با افزایش ابهام‌گریزی، فرار مالیاتی شرکتی افزایش می‌یابد. براساس نتایج آزمون فرضیه دوم مشخص گردید که فاصله قدرت بر اخلاق مالیاتی تاثیر منفی دارد و این تاثیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی داری می‌باشد. بر اساس یافته های پژوهش و دیدگاه مودیان وجود فاصله قدرت بیشتر یعنی توزیع ناعادلانه قدرت و ثروت، نظام مالیاتی ناعادلانه غیر منصفانه که امتیازاتی نظیر معافیت ها و بخشودگی ها برای قشر یا گروهی خاص که صاحب نفوذ هستند در نظر می‌گیرد لذا انگیزه و تمایل خود برای پرداخت مالیات و تمکین قوانین مالیاتی را کم می‌کند. براساس نتایج آزمون فرضیه سوم مشخص گردید که فردگرایی بر اخلاق مالیاتی تاثیر مثبت دارد و این تاثیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دارد می‌باشد. مودیان مالیاتی اظهار داشته اند زمانی که قوانین و مقررات و فرآیند به صورت سراسری و برای همگان به اجرا در می‌آید. قوانین و مقررات مالیاتی به شکلی مشابه برای تمام افراد اعمال می‌گردد. بر اساس یافته های این پژوهش با افزایش سطح فردگرایی، بار مالیاتی به صورت عادلانه تقسیم می‌گردد، امری که به اخلاق مالیاتی بالاتر و فرار مالیاتی کمتر منتهی خواهد گردید. براساس نتایج آزمون فرضیه چهارم مشخص گردید که مرد منشی یا مردگرایی بر اخلاق مالیاتی تاثیر مثبت دارد و این تاثیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دارد می‌باشد. جوامع با خصوصیت مرد منشی تمایل بیشتری برای موفقیت و برنده شدن دارند و به دلیل تمرکز بر وجود جرایم و مجازات ها تمایل بیشتری به افشای اطلاعات دارند لذا در خصوص مالیات و تمکین قوانین و مقررات نیز به همین ترتیب عمل می‌کنند و تمایل انگیزه بیشتری برای پرداخت مالیات دارند در نتیجه. سطوح بالایی از اخلاق مالیاتی مشاهده می‌گردد.

با در نظر گرفتن فرضیه های آزمون شده در این پژوهش و لحاظ نمودن محدودیت های تحقیق می‌توان پیشنهاد هایی را به شرح زیر بیان نمود: مطابق نتایج این پژوهش ابهام‌گریزی بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی دار منفی دارد بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی پیامد های ابهام‌گریزی در نظام مالیاتی ایران بررسی گردد. مطابق نتایج این پژوهش فاصله قدرت بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی دار منفی دارد بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی تاثیر فاصله قدرت بر تمکین مالیاتی مورد بررسی قرار گیرد. مطابق نتایج این پژوهش فردگرایی بر اخلاق مالیاتی تاثیر معنی دار مثبت دارد بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی فردگرایی، ابعاد و شاخص های آن در تمکین مالیاتی مودیان را بررسی نماید. بدون شک در اجرا هر تحقیق محدودیت‌های وجود دارد:

- (۱) با توجه به تعداد زیاد سؤالات پرسشنامه، مؤدیان مالیاتی اغلب تمایل کمی برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه نشان داده و بیشتر آن‌ها پس از دیدن صفحات پرسشنامه از پاسخ دادن به آن امتناع ورزیده و سعی در طفره رفتن از پاسخ به تمامی سؤالات را داشتند که با توضیحات محقق این مشکل تا حد زیادی کنترل گردید.
- (۲) با توجه به ذهنیت برخی مؤدیان مبنی بر افشاء مسائل شخصی، تمایل آنان را در پاسخگویی به سؤالات را کم کرده و همکاری آنان با محقق را تحت تأثیر قرار داده بود. همواره ذهنیت افشای اطلاعات شخصی توسط پرسشنامه در برخی از آن‌ها وجود داشته است ولی با توضیحات محقق مبنی بر حفظ اسرار آنان این مشکل نیز تا حد زیادی تحت کنترل قرار گرفت.
- (۳) با توجه به اینکه تا کنون تحقیق مشابهی در سازمان امور مالیاتی اجرا نشده است و برای اولین بار این مدل در این تحقیق ارائه گردیده، بنابراین بومی‌سازی پرسشنامه با مشکلاتی همراه بوده است که این مهم نیز با یاری اساتید محترم راهنما و مشاور کنترل گردید.
- (۴) از آنجا که این تحقیق به مؤدیان و متخصصان شهر تهران محدود شده است در تعمیم نتایج آن به سایر شهرستان‌ها باید با احتیاط اقدام کرد.

فهرست منابع

- * احمدی، سعیده. پژوهان، جمشید. مهرآرا، محسن. معمارنژاد، عباس. (۱۳۹۷). تأثیر شاخص‌های مختلف آزادسازی تجاری بر پایه‌های مختلف مالیاتی: مقایسه تطبیقی کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه. فصلنامه علمی نظریه‌های کاربردی اقتصاد. سال ۵. شماره ۱. صص ۲۷۰-۲۳۷.
- * الماسی، حسن. عاملی، آنژلا. حاج محمدی، فرشته. (۱۳۹۳). بررسی طرز تلقی مؤدیان نسبت به انصاف نظام مالیاتی و تاثیر آن بر رفتار تمکین مالیاتی. پژوهشنامه مالیات، سال ۲۲، شماره ۲۲.
- * بهشتی، یعقوب و رویایی، رضاعلی (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و نگرش فرار مالیاتی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال ۲، شماره ۴، صص ۲۴۷-۲۷۵.
- * تمیزی، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی عوامل تعیین‌کننده درآمد‌های مالیاتی در ایران: رویکرد اقتصادسنجی بیزی. مجله علمی پژوهشی اقتصاد مقداری. سال ۱۵. شماره ۱. صص ۲۲۵-۲۴۴.
- * حیدری، محمد. قاسمی، وحید. رنای، محسن. ایمان، محمد تقی. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ مالیاتی بر مبنای واکاوی نظام معنایی مؤدیان مالیاتی در شهر اصفهان: رویکردی ترکیبی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۳۰. شماره ۲. صص ۱-۲۸.
- * خواجوی، شکراله. کرشاهی، بهنام. (۱۳۹۷). پدیدار شناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. سال ۳. شماره ۵. صص ۱۸۷-۲۰۸.
- * صامتی، مجید. امیری، هادی. حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی، مطالعه موردی شهر اصفهان. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. سال ۲۳. شماره ۷۵. صص ۲۳۱-۲۶۳.

- * ملانظری، مهناز. ابوحمزه، مینا. میرزایی عباس آباد، محمدمهدی. (۱۳۹۵). فرهنگ سازمانی و تمکین مالیاتی شرکتی (مطالعه موردی: اداره کل امور مالیاتی مودیان بزرگ). نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. سال ۲۳. ش ۱. صص ۱-۱۸.
- * Alm, J. and B. Torgler. (۲۰۰۶). Culture Differences and Tax Morale in the United States and Europe. *Journal of Economic Psychology* ۲۷, ۲۴۶-۲۲۴
- * Bame- Aldred, C. W., Cullen, J.B., Martin, K. D., and Parboteeah, K. P. (۲۰۱۳). National Culture and Firm-level Tax Evasion. *Journal of Business Research*. ۶۶. ۳۹۶-۳۹۰
- * Basile, R., Chiarini, B., and Marzano, E. (۲۰۱۱). Can we Rely upon Fiscal Policy Estimates in Countries with Unreported Production of ۱۵PerCent (or more) of GDP? . CESIFO WORKING PAPER, NO. ۳۵۲۱
- * Basile R., Chiarini B., Marzano E.(۲۰۱۱), Can we rely upon fiscal policy estimates in countries with unreported production of ۱۵per cent (or more) of GDP? CESifo Working Paper, No. ۳۵۲۱
- * Begue, J. (۱۹۷۶). culture and tax. *Economie et Statistique Journal* . ۸۴: ۹۷-۱۰۴
- * Birger, N. (۲۰۰۱). The Role of Tax Culture in Transformation Processes – The Case of Russia. ASPE Working Paper ۲۰۰۱/۰۳#St. Petersburg, Russia
- * Brink William D., Thomas M. Porcano (۲۰۱۶). The Impact of Culture and Economic Structure on Tax Morale and Tax Evasion: A Country-Level Analysis Using SEM. *Advances in Taxation Journal* , Volume ۲۳, pp. ۸۷-۱۲۳
- * Brink, W. and Porcano, T. (۲۰۱۶), The Impact of Culture and Economic Structure on Tax Morale and Tax Evasion: A Country-Level Analysis Using SEM, *Advances in Taxation* (Advances in Taxation, Vol. ۲۳), Emerald Group Publishing Limited, pp. ۱۲۳-۸۷
- * Brizi .A, Mauro, G. Birga, M. Schumpe , L . (۲۰۱۵).Intention to Pay Taxes or to Avoid Them:, *Journal of Economic Psychology*, pp.. ۱۴۸-۱۳۲
- * Chiarini, B., Marzano, E., and Schneider, F. (۲۰۱۳). Tax Rates and Tax Evasion: An Empirical Analysis of the Long-Run Aspects in Italy, *European Journal of Law and Economics*, ۳۵, pp: ۲۷۳-۲۹۳
- * Cullis, J. G., & Lewis, A. (۱۹۹۷). Why people pay taxes; from a conventional economic model to a model of social convention. *Journal of Economic Psychology*, ۱۸, pp:۳۲۱-۳۰۵
- * Cummings, R. G., Martinez-Vazquez, J., McKee, M., & Torgler, B. (۲۰۰۴). Effects of culture on tax compliance: A cross check of experimental and survey evidence. CREMA Working Paper Series, ۱۳, pp:۱۶۰-۱۵۴

- * Deyneli, F. (۲۰۱۴). Analyzing the relationship between national cultural dimensions and tax morale. *Journal of Alanya Faculty of Business*, ۶(۲), pp:۶۳-۵۵
- * Douppnik, T. S. & Tsakumis, G. T. (۲۰۰۴). A critical review of tests of Gray's theory of cultural relevance and suggestions for future research. *Journal of Accounting Literature*, ۱(۲۳), pp: ۱-۴۸
- * Frey B, Feld L. (۲۰۰۲). Deterrence and morale in taxation: An empirical analysis. Munich: CESifo Working Paper. pp: ۴۵-۱۵
- * Frey, Bruno S. and Benno Torgler (۲۰۰۷), 'Tax Morale and Conditional Cooperation', *Journal of Comparative Economics* ۳۵(۱), pp: ۱۳۶- ۱۵۹
- * Halla, M. (۲۰۱۲). The Link between the Intrinsic Motivation to Comply and Compliance Behavior A Critical Appraisal of Existing Evidence, in F. G.Schneider, ed., *Handbook on the Shadow Economy* ,
- * Haines, A. (2020). Discussion: OECD and KPMG discuss the complexities of tax morality. *International Tax Review*.
- * Hofmann, e. ; hoelzl, e. and e. kirchler. (۲۰۰۸). Preconditions of voulentary tax compliance knowledge and evaluation of taxation, norms, fairness, and motivation to cooperate, *zeitschriftfur psychology*, vol. ۲۱۶, issue ۴, pp: ۲۰۹- ۲۱۷
- * Hofstede, G. (۱۹۸۰). *Culture's consequences: International differences in workrelated values*. London: Sage Publications
- * Hofstede, G. (۱۹۸۶). Cultural differences in teaching and learning. *International Journal of Intercultural Relations*, ۱۰(۳): , pp:۳۲۰-۳۰۱
- * Hofstede, G. (۱۹۹۱). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London: McGraw-Hill Book Company (UK) Limited.
- * Hofstede, G., Neuijen, B., Ohavy, D. D. & Sanders, G. (۱۹۹۰). Measuring organizational cultures: A quantitative and qualitative study across twenty cases. *Administrative Sciences Quarterly*, ۳۵(۲), pp: ۲۸۶- ۳۱۶
- * Horodnic, I. (۲۰۱۸), "Tax morale and institutional theory: a systematic review", *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol. ۳۸No. ۱۰/۹, pp: ۸۸۶-۸۶۸
- * Husted, B. W. (۱۹۹۹). Wealth, culture, and corruption. *Journal of International Studies*, ۲(۳۰), pp: ۳۳۹-۳۵۹
- * Jackson, B. R. and Milliron, V. C. (۱۹۸۶). Tax Compliance Research: Findings, Problems, and Prospects, *Journal of Accounting Literature*, Vol. ۵, pp: ۱۶۵-۱۲۵
- * Khlif, H. and Amara, I. (۲۰۱۹), "Political connections, corruption and tax evasion: a cross-country investigation", *Journal of Financial Crime*, Vol. ۲۶No. ۲, pp: ۴۱۱-۴۰۱

- * Kirchler, e. (۲۰۰۶). The economic psychology of tax behavior. Cambridge, MA: Cambridge university press
- * Kornhauser, M. E. (۲۰۰۷). Normative and cognitive aspects of tax compliance: Literature review and recommendations to the IRS regarding individual taxpayers. The National Taxpayer Advocate's ۲۰۰۷ Annual Report to Congress, ۲, ۱۳۸۱۸۰. Retrieved from <http://www.irs.gov/advocate/article/0,,id=۱۷۷۳۰۱,۰۰.html>
- * Lago-Penas, I., Lago, S. (۲۰۱۰). The determinants of tax morale in comparative perspective: Evidence from a multilevel analysis. *European Journal of Political Economy*, ۲۶(۴), pp: ۴۵۳-۴۴۱
- * Li, S. X. (۲۰۱۰). Social identities, ethnic diversity, and tax morale. Retrieved from <http://ssrn./abstract=۱۴۲۲۱۲۱>
- * Lu, L. C., Rose, G. M., & Blodgett, J. G. (۱۹۹۹). The effects of cultural dimensions on ethical decision making in marketing: An exploratory study. *Journal of Business Ethics*, ۱۸, pp: ۱۰۵-۹۱
- * Lubian D, Zarri L. (۲۰۱۱). Happiness and Tax Morale: An Empirical Analysis. *Journal of Economic Behavior & Organization*; ۸۰, pp: ۲۲۳-۲۴۳
- * Martinez-Vazquez, Jorge, Wallace, Sally (۲۰۰۰). The Ups and Downs of Comprehensive Tax Reform in Russia. *National Tax Association Proceedings: ۹۲nd Annual Conference on Taxation*, Edited by Daphne A. Kenyon, pp: ۵-۱۴
- * McGee, R.W. and Rossi, M.J. (۲۰۰۶) The Ethics of Tax Evasion: A Survey of Law and Business Students in Argentina. *Proceedings of ۶th Annual International Business Research Conference* , Jacksonville, Florida
- * Naylor, R. (۱۹۸۹). Strikes, Free Riders, and Social Consensus. *Quarterly Journal of Economics*, (۱۰۴), pp: ۷۸۶-۷۷۱
- * Octavio R Olsen, J., Kang, M. and Kirchler, E. (۲۰۱۲) Tax Psychology. In: Lewis, A., Ed., *The Cambridge Handbook of Psychology and Economic Behavior* , Cambridge University Press, Cambridge.
- * Porcano, T. M., & Price, C. E. (۱۹۹۳). The effects of social stigmatization on tax evasion. *Advances in Taxation*, ۵, pp: ۱۹۷-۲۱۷
- * Radaev, Vadim (۲۰۰۱). *Informal Institutional Arrangement and Tax Evasion in the Russian Economy*. Economic Sociology State University. Moscow.
- * Richardson G. (۲۰۰۸). The relationship between Culture and Tax Evasion across Countries: Additional Evidence and Extensions. *Int Account Auditing Taxation*. ۱۷(۲). pp: ۶۷-۷۸

- * Richardson, G. (۲۰۰۷). The influence of culture on tax systems internationally: A theoretical and empirical analysis. *Journal of International Accounting Research*, ۶(۱), pp: ۷۹-۵۷
- * Richardson, G. (۲۰۰۸). The relationship between culture and tax evasion across countries: additional evidence and extensions. *Journal of International Account, Auditing, Taxation*, ۱۷(۲), pp: ۶۷-۷۸
- * Robert H. (۲۰۱۹). Culture versus Structure: A Critical Perspective on the Role of Culture in Tax Evasion. *Accounting Historians Journal*: June ۲۰۱۹, Vol. ۴۶, No. ۱, pp: ۹۱-۷۹
- * Sandford, C. (۲۰۰۰). Why tax systems differ: A comparative study of the political economy of taxation. Bath, The United Kingdom: Fiscal Publications.
- * Sandmo, A. (۲۰۰۵). The theory of Tax Evasion: a Retrospective View. *National Tax Journal*, ۵۸(۴), pp: ۶۴۳-۶۶۳
- * Schuler, R. S., & Rogovsky, N. (۱۹۹۸). Understanding compensation practice variations across firms: The impact of national culture. *Journal of International Business Studies*, ۲۹, pp: ۱۵۹-۱۷۷
- * Kim, H. C. Triandis, C. Kagitcibasi, S. C. Choi, & G. YoonStrümpel, B. (۱۹۶۹). The Contribution of Survey Research to Public Finance, in: A. T. Peacock (ed.), *Quantitative Analysis in Public Finance*. New York, NY: Praeger Publishers, pp: ۳۲-۱۴
- * Torgler, B. Chan, H.F.; Dulleck, U. (۲۰۱۹). Response Times and Tax Compliance. *Games*. ۱۰(۳). Pp: ۲۵- ۴۵
- * Torgler, Benno (۲۰۰۷), Tax Compliance and Tax Morale: A Theoretical and Empirical Analysis, ۳(۱). Pp: ۱۷۱-۱۵۸
- * Torgler, B. and Friedrich, S. (۲۰۰۹). The Impact of Tax Morale and Institutional Quality on the Shadow Economy, *Journal of Economic Psychology* ۳۰(۲), pp: ۲۴۵ ۲۲۸
- * Tsakumis, G.T., Curatola, A.P. & Porcano, T.M. (۲۰۰۷). The relation between national cultural dimensions and tax evasion. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۲(۱۶), pp: ۱۳۱-۱۴۷
- * www.oecd.com

Modeling the dimensions of organizational culture on corporate tax morale the dimensions of organizational culture on corporate tax morale

Leila Sedighikamal

PhD Candidate in Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran,
lsedighiacc@gmail.com

Ramazanali Royayee

Associate Prof. of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran,
corresponding author
ad_royaee@yahoo.com

Mehdi Taghavi

Prof. of Economics, Allame tabatabaei University, Tehran, Iran,
m.taghavi@atu.ac.ir

Farideh Haghshenase Kashani

Assistant Prof. of Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
fahaghshenaskashani_93@yahoo.com

Abstract

In Iran recently due to the intensification of economic sanctions and the reduction of oil revenues, the increase in tax revenues has become an important source of revenue for the government, so it is important to pay attention to the central role of taxpayers. Understanding the difference between taxpayers' tax behavior (tax compliance or tax evasion) requires understanding their differences in attitude, which is a function of cultural norms. Investigating and understanding the factors affecting "tax morale" as the motivation and the intrinsic tendency of taxpayers (to pay or not to pay taxes) is very necessary.

The purpose of this study is to investigate the impact of culture on tax morale. The statistical population of the research is the taxpayers of Tehran tax offices. The standard questionnaires were used for the research. And the structural equation modeling with PLS approach was used to confirm the relationships between variables. Research shows that tax culture and corporate culture have a significant impact on tax morale. Therefore, policymakers and legislators should pay special attention to features such as culture in the formulation of tax strategies and laws because the manner in which Moody's responds and responds to the success and failure of those strategies and laws is crucial.

Keywords: Tax Compliance, Tax Morale, , Organizational Culture. partial least squares approach